

احکام قرض

احکام قرض

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در آیات قرآن و اخبار، راجع به آن زیاد سفارش شده است. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد مال او زیاد می شود و ملائکه بر او رحمت می فرستند و اگر با بدهکار خود مدارا کند بدون حساب و به سرعت از صراط می گذرد. و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد بهشت بر او حرام می شود.

۲۲۷۳ در قرض لازم نیست صیغه بخوانند بلکه اگر چیزی را به نیت قرض به کسی بدهد و او هم به همین قصد بگیرد صحیح است ولی مقدار آن باید کاملاً معلوم باشد.

۲۲۷۴ اگر در قرضی شرط کنند که در وقت معین آن را بپردازند پیش از رسیدن آن وقت لازم نیست طلبکار قبول کند ولی اگر تعیین وقت فقط برای همراهی با بدهکار باشد چنانچه پیش از آن وقت هم قرض را بدهند باید قبول نماید.

۲۲۷۵ اگر در صیغه قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند طلبکار پیش از تمام شدن آن مدت نمی تواند طلب خود را مطالبه نماید. ولی اگر مدت نداشته باشد طلبکار هر وقت بخواهد می تواند طلب خود را مطالبه نماید.

۲۲۷۶ اگر طلبکار طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد باید فوراً آن را بپردازد و اگر تاخیر بیندازد گناهکار است.

۲۲۷۷ اگر بدهکار غیر از خانه ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه نماید، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.

۲۲۷۸ کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد اگر کاسب است باید برای پرداخت بدهی خودش کسب کند و کسی هم که کاسب نیست چنانچه بتواند کاسبی کند احتیاط واجب آن است که کسب کند و بدهی خود را بدهد.

۲۲۷۹ کسی که دسترسی به طلبکار خود ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند باید با اجازه حاکم شرع طلب او را به فقیر بدهد، و شرط نیست در فقیر که سید نباشد.

۲۲۸۰ اگر مال میت بیشتر از خرج واجب کفن و دفن و بدهی او نباشد باید مالش را به همین مصرفها برسانند و به وارث او چیزی نمی رسد.

۲۲۸۱ اگر کسی مقداری پول طلا یا نقره قرض کند و قیمت آن کم شود یا چند برابر گردد چنانچه همان مقدار را که گرفته پس بدهد کافی است ولی اگر هر دو به غیر آن راضی شوند اشکال ندارد.

۲۲۸۲ اگر مالی را که قرض کرده از بین نرفته باشد و صاحب مال، آن را مطالبه کند احتیاط مستحب آن است که بدهکار همان مال را به او بدهد.

۲۲۸۳ اگر کسی که قرض می دهد شرط کند که زیادتز از مقداری که می دهد بگیرد، مثلاً يك من گندم بدهد و شرط کند که يك من و پنج سیر بگیرد، یا ده تخم مرغ بدهد که یازده تا بگیرد ربا و حرام است بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری برای او انجام دهد یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس دهد مثلاً شرط کند يك تومانی را که قرض کرده با يك کبریت پس دهد ربا و حرام است و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می گیرد به طور مخصوص پس دهد مثلاً مقداری طلای نساخته به او بدهد و شرط کند که ساخته پس بگیرد باز هم ربا و حرام می باشد ولی اگر بدون این که شرط کند خود بدهکار زیادتز از آنچه قرض کرده پس بدهد اشکال ندارد بلکه مستحب است.

۲۲۸۴ ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته اگر چه کار حرامی کرده ولی اصل قرض صحیح است و می تواند در آن تصرف نماید.

۲۲۸۵ اگر گندم یا چیزی مانند آن را به طور قرض ربایی بگیرد و با آن زراعت کند حاصلی که از آن به دست می آید مال قرض گیرنده است.

۲۲۸۶ اگر لباسی را بخرد و بعداً از پولی که بابت ربا گرفته یا از پول حلالی که مخلوط با ربا است به صاحب لباس بدهد چنانچه موقع خریداری قصدش بوده که از این پول بدهد پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن جایز نیست و نیز اگر پول ربایی با حلال مخلوط به حرام داشته باشد و به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می خرم پوشیدن آن لباس حرام است و اگر بداند پوشیدن آن حرام است نماز هم با آن باطل می باشد.

۲۲۸۷ اگر انسان مقداری پول به تاجر بدهد که در شهر دیگر از طرف او کمتر بگیرد اشکال ندارد و این را صرف برات می گویند.

۲۲۸۸ اگر مقداری پول به کسی بدهد که بعد از چند روز در شهر دیگر زیادتز بگیرد، مثلاً نهصد و نود تومان بدهد که بعد از ده روز در شهر دیگر هزار تومان بگیرد ربا و حرام است ولی اگر کسی که زیادی را می گیرد در مقابل زیادی جنس بدهد یا عملی انجام دهد اشکال ندارد.